

بررسی تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر ایجاد فاصله‌ی اجتماعی و ترس از جرم و ناهنجاری بین دو قوم کرد و لک در شهر کرمانشاه

محمد تقی سبزه‌ای^۱، گلرمد مرادی^۲

چکیده

این مقاله تأثیر عوامل اجتماعی بر ایجاد فاصله‌ی اجتماعی و تأثیر آن‌ها با واسطه‌ی فاصله‌ی اجتماعی و بدون واسطه بر ایجاد ترس از جرم و ناهنجاری اجتماعی را بین دو قوم کرد (اکثریت) و لک (اقلیت) در شهر کرمانشاه بررسی می‌کند. چارچوب نظری مقاله بر نظریه‌های کنترل اجتماعی هیرشی، روابط جماعتی فردیناند تونیس، فاصله‌ی اجتماعی پارک و بی‌سازمانی اجتماعی استوار است. روش این مقاله توصیفی از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. به این منظور تعداد ۳۳۶۷ نفر از شهروندان کرد و لک ۲۰ سال به بالای ساکن شهر کرمانشاه مورد مصاحبه و پرسش قرار گرفتند. برای استخراج داده‌های به‌دست‌آمده از نرم‌افزار SPSS و از آمارهای توصیفی و استنباطی برای توصیف و تحلیل نتایج استفاده شد.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد متغیرهای میزان تعلق به محله (۰/۲۵- r)، ترس از جرم ($r=0/34$)، احساس ناامنی ($r=0/24$) و باورهای دینی ($r=-0/37$) با فاصله‌ی اجتماعی رابطه‌ی معنادار و مستقیمی دارند. بین احساس تعلق به محله ($r=-0/33$)، احساس ترس از ناامنی ($r=0/27$) و باورهای دینی ($r=-0/44$) با ترس از جرم در جامعه رابطه‌ی معنادار

moh_sabzehei@live.com

^۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه

^۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادغرب و عضو باشگاه پژوهشگران جوان

moradi.pop@gmail.com

^۳. جمعیت نمونه ۳۸۰ نفر بودند که به علت عدم پاسخگویی و برگرداندن برخی پرسشنامه‌ها ۳۶۷ نفر مابقی تحلیل قرار گرفت.

غیرمستقیم وجود دارد.

نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد باورهای دینی با ضریب مسیر ($\rho = -0.23$)، احساس ناامنی ($\rho = 0.16$) و احساس تعلق به محله ($\rho = -0.18$) به صورت مستقیم بر روی متغیر فاصله‌ی اجتماعی و باورهای دینی ($\rho = -0.37$)، احساس ناامنی ($\rho = 0.21$) و احساس تعلق به محله ($\rho = -0.25$) هرکدام به صورت مستقیم و غیرمستقیم با واسطه‌ی فاصله اجتماعی بر روی ترس از جرم تأثیر دارند. نتایج کلی عبارت است از اینکه هرچه فاصله‌ی اجتماعی ساکنان یک محله بیش تر باشد، ناهنجاری‌های بیشتری را تجربه می‌کنند و فاصله‌ی کلی اجتماعی در یک محله رابطه‌ی معناداری با ترس از جرم و ناهنجاری دارد.

واژه‌های کلیدی: فاصله‌ی اجتماعی، بی‌هنجاری اجتماعی، جرم، شهروندان.

مقدمه و بیان مسأله

ترس از جرم^۴ و ناهنجاری یکی از عوامل مهم واگرایی اجتماعی است. همه‌ی مردم تمایل دارند کمتر در محله‌ای بدون جرم و ناهنجاری زندگی کنند. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد در مناطق جرم‌خیز رضایت ساکنان کم‌تر (آدامز^۵، ۱۹۹۲: ۳۵۴ و دیویس و فین دیویس^۶، ۱۹۸۱: ۴۷۹)، پیوندهای اجتماعی در بین همسایه‌ها ضعیف‌تر (هیپ^۷، ۲۰۱۰: ۱۴۸) و مهاجرت و جابه‌جایی مکانی بیشتر است (کیرنس و فورست^۸، ۲۰۰۳: ۸۳۰). انسان به مثابه‌ی موجودی اجتماعی در گروه رشد می‌کند و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را می‌آموزد و درونی می‌کند. حدود و مرزهایی که فاصله‌ی اعضای جامعه را با هم و با دیگر جوامع تعیین می‌کنند نیز از سوی اجتماع تعیین می‌شوند برای مثال، ملیت یک فرانسوی عامل جداکننده‌ی او از یک ایرانی است زیرا زبان، نژاد، فرهنگ، جغرافیای زیستی او با یک ایرانی فرق می‌کند. در درون جامعه‌ی ایران هم عامل‌های مجزاکننده‌ی فرهنگی وجود دارد. خرده‌فرهنگ‌های درون یک فرهنگ نیز دارای متغیرهایی هستند که همبستگی درون‌گروهی را تشدید و واگرایی و فاصله‌ی

⁴. fear of crime

⁵. Adams

⁶. Davis and Fine-Davis

⁷. Hipp

⁸. Kearns and Forrest

اجتماعی گروه، فرد و اجتماع را از گروه‌ها، افراد و اجتماعات دیگر تعیین می‌کنند. فاصله‌ی اجتماعی ابعاد گسترده‌ای دارد که از فاصله بین دو فرد تا فاصله بین میلیاردها نفر را شامل می‌شود. از بُعد بین‌المللی شکلی از فاصله‌ی اجتماعی وجود دارد که هانتینگتون^۹ به آن جنگ تمدن‌ها می‌گوید. نظام کاستی در هند، تثبیت مشاغل در جامعه‌ی ایران قبل از اسلام و برتری نژادی، نظام برده‌داری رومی، تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی و در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکا، نژادپرستی و نازیسم در آلمان، شکل‌هایی از فاصله‌ی اجتماعی‌اند.

تحقیقات زیمل^{۱۰} (۱۹۵۵) و بلاو^{۱۱} (۱۹۸۷) نشان می‌دهند که فاصله‌ی اجتماعی در ابعاد مختلف (و نه فقط بعد اجتماعی و اخلاقی) بر روی شکل رابطه‌ی اجتماعی تأثیر می‌گذارد. فاصله‌ی اجتماعی بین افراد و گروه‌ها در یک جامعه می‌تواند بر روی ترس از جرم و ناهنجاری تأثیر بگذارد. وارنر و رونتري^{۱۲} (۱۹۹۷) بر این باورند همسایه‌هایی که وابستگی اجتماعی بیشتری به هم دارند، آگاهی بیشتری درباره‌ی احتمال سرقت در آن محله دارند و بیشتر می‌توانند برای کاهش آن با یکدیگر همکاری کنند (وارنر و رونتري، ۱۹۹۷: ۵۲۷). شبکه‌های به هم پیوسته‌ی اجتماعی در محله‌ها علاوه بر اطلاع‌رسانی در پردازش اطلاعات به هم کمک می‌کنند. این نشان می‌دهد که تنها باید به مقدار فاصله‌ی اجتماعی در این محله‌ها بلکه به میزان فاصله‌ی گروه‌های زیرمجموعه در محله نیز توجه کرد و این نشان‌دهنده‌ی اهمیت ساختار شبکه‌ی فاصله‌ی اجتماعی در این محله‌هاست و اینکه گروه‌های زیرمجموعه در راستای فاصله‌ی اجتماعی در این محله‌ها در بروز ناهنجاری اهمیت دارند. بر اساس نتایج تحقیقات، محله‌های با ناهمگنی نژادی و اخلاقی بیشتر، از جرم و ناهنجاری بیشتری رنج می‌برند (اسمیت و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۰: ۴۹۰ و هیپ، ۲۰۰۷: ۱۴۸). مطالعات نشان می‌دهند بیشتر جرم‌ها و بزهکاری‌ها در محله‌های فقیر شهرهای بزرگ، محله‌هایی که اقلیت‌ها سکونت دارند و کیفیت

^۹. Huntington

^{۱۰}. Simmel

^{۱۱}. Blau

^{۱۲}. Warner and Rountree

^{۱۳}. Smith et al

مدارسشان بسیار پایین است و درهم‌ریختگی و نابسامانی اجتماعی زیاد وجود دارند، اتفاق می‌افتد. همسایه‌های امروزی ممکن است به جای دیگر مهاجرت کنند و به جای آن‌ها همسایه‌های دیگر و خانواده‌هایی بیایند که دارای زبان، فرهنگ و ملیت مختلف باشند و معیارهای فرهنگی مختلفی در کنار هم ایجاد شوند که هم‌گرایی اجتماعی اندکی با یکدیگر داشته باشند. در چنین شرایطی، کنترل والدین بر کودکان و نوجوانان کاهش می‌یابد. والدین به‌تنهایی کار می‌کنند، بدون اینکه از سوی همسایه‌ها تقویت و حمایت شوند. در اجتماعات باثبات خانواده‌ها و افراد یکدیگر را می‌شناسند؛ آبرو و حیثیت هرکسی حفظ می‌شود و رفتارها از سوی همسایه‌ها کنترل می‌شود؛ همسایه‌ها تا اندازه‌ای از سابقه‌ی زندگی یکدیگر اطلاع دارند (میکائیل و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۰: ۲۴۹).

شهر کرمانشاه یکی از کلانشهرها و بزرگترین شهر کردنشین و مهم‌ترین شهر در منطقه‌ی مرکزی غرب ایران است. دو قوم اصلی که در این شهر زندگی می‌کنند کردها (اکثریت) و لک‌ها (اقلیت) می‌باشند. با وجود اینکه سالیان طولانی این دو قوم به صورت مسالمت آمیز با هم زندگی می‌کنند، اما تفاوت‌هایی نیز در گویش و به تبع آن در آداب و رسوم و مناسک اجتماعی با هم دارند. از طرفی طبق آمار پزشکی قانونی نسبت به جمعیت، کرمانشاه پس از اردبیل و قبل از همدان بیشترین آمار نزاع‌های خیابانی در ایران را به خود اختصاص داده است (خبرآنلاین، ۱۳۹۰). فاصله‌ی اجتماعی بین قومیت‌ها و فرهنگ‌ها در نهایت منجر به تنش‌ها و برخوردهای قومی و قبیله‌ای می‌شود. با توجه به موارد فوق می‌توان چنین استنباط کرد با افزایش میزان فاصله‌ی اجتماعی میان شهروندان و دو گروه قومی کرد و لک، ترس افراد از جرم و ناهنجاری متفاوت و شیوع آن بیشتر خواهد شد. در این مقاله نقش فاصله‌ی اجتماعی بر ترس از جرم و ناهنجاری بین شهروندان کرد (اکثریت) و لک (اقلیت) در کرمانشاه بررسی می‌شود. منظور از عوامل اجتماعی تمرکز بر سه متغیر اصلی مستقل (باورهای دینی، احساس ناامنی و میزان تعلق به محله) است. اهداف جزئی‌تر این پژوهش عبارتند از:

- سنجش و برآورد میزان فاصله‌ی اجتماعی بین شهروندان کرد و لک در کرمانشاه.

¹⁴. Michael et al

- تعیین نقش فاصله‌ی اجتماعی دو قوم کرد و لک بر روی ترس از ناهنجاری و جرم.
- تعیین ارتباط میان عوامل مؤثر بر فاصله‌ی اجتماعی دو قوم کرد و لک با ترس شهروندان از ناهنجاری و جرم

پیشینه‌ی تحقیق

بخشی از ادبیات نظری هر پژوهشی به مرور پژوهش‌های پیشین اختصاص دارد. پژوهش‌های داخلی در باره‌ی موضوع مورد بررسی اندک، اما تحقیقات خارجی بسیاری وجود دارند. یوسفی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به نام «انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد» نتیجه می‌گیرند همسایگی بخش مهمی از فضای عمومی شهر است که فرصت ارتباط اجتماعی را برای ساکنان فراهم می‌کند و در تقویت انسجام اجتماعی شهر نقش مهمی دارد. تحلیل چندگانه حاکی از آن است که متغیرهای ثبات مسکونی، تراکم مسکونی، تنوع پایگاهی، تنوع قومی، مذهبی و محلی در تغییرات انسجامی شبکه نقش دارند و در این میان متغیرهای اول و دوم، ثبات مسکونی و تنوع پایگاهی سهم بیشتری دارند. یامامورا^{۱۵} (۲۰۰۹) در مقاله‌اش به نام «نقش بازدارنده‌های رسمی (حضور پلیس) و غیررسمی (سرمایه اجتماعی) در کاهش جرم در ژاپن» به این نتیجه می‌رسد که پلیس و سرمایه‌ی اجتماعی میزان جرم را کاهش می‌دهند و تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی، کمتر از تأثیر پلیس است (یامامورا، ۲۰۰۹: ۶۱۱-۶۲۱). هیپ در پژوهشی نشان می‌دهد دانش‌آموزان دبیرستان تمایل شدیدی به انتخاب دوستان هم‌نژاد با خودشان دارند. نتایج نشان می‌دهد موقعیت‌های مهم اجتماعی در اغلب جوامع (مانند سن، وضعیت تأهل و تعداد بچه) برای ایجاد فاصله‌ی اجتماعی و کم‌شدن رابطه نقش مهمی دارند. سن در ایجاد فاصله‌ی اجتماعی بسیار مهم است زیرا افراد در سن‌های مختلف تجربه‌های متفاوتی کسب و نگرش و دیدگاه‌هاشان تغییر می‌کند. تفاوت سنی، تعداد بچه و وضعیت تأهل دارای اهمیت هستند. وضعیت تأهل باعث تغییر روابط متاهل‌ها با مجردها می‌شود و رابطه‌ی اجتماعی بین آن‌ها را کمتر می‌کند (هیپ، ۲۰۰۹: ۶۵۹-۶۸۰). تعداد بچه و بچه‌دار شدن انتظاراتی را به دنبال دارد که باعث تغییر روابط بین بچه‌دارها و بی‌بچه‌ها می‌شود؛ پژوهش مک‌فرزن و رانگر مور (۱۹۹۱، ۱۹-۴۲) در

¹⁵. Yamamura

امریکا نیز این مورد را تأیید می‌کند. سامسون^{۱۶} (۲۰۰۱) در مقاله‌ی «پراکندگی و تنوع در شهر معاصر» پیوند همسایگی را مؤلفه‌ای مهم در ایجاد توانایی‌های ارتباطی می‌داند که نقش مهمی در کاهش جرم و ناهنجاری در بین همسایه‌ها دارد (سامسون، ۲۰۰۱: ۱-۳۱).

مبانی نظری پژوهش

گروهی از جامعه‌شناسان درباره‌ی جدایی یا فاصله میان گروه‌های اجتماعی نظریه‌پردازی کرده‌اند که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

جورج زیمل: زیمل پنج شکل از رابطه‌ی اجتماعی را شرح می‌دهد که رابطه میان فرد و گروه‌های اجتماعی و فرایند تفکیک اجتماعی را توضیح می‌دهد. این اشکال عبارتند از: مسئولیت جمعی که با تفکیک اجتماعی توسعه می‌یابد. در اینجا اعمال و رفتار فرد به منزله‌ی اعمال و رفتار جمع درک می‌شود. روابط مبتنی بر وابستگی که بین توسعه‌ی کمی جامعه و گروه اجتماعی با تحول فردیت و فردگرایی رابطه وجود دارد. محفل اجتماعی فرد هرچه بزرگتر شود او برای حصول به این اهداف به مسیرهای پرپیچ‌وخم‌تری نیاز دارد. بعد چهارم الگوی یک رابطه‌ی اجتماعی از دل تقاطع موجود میان گروه‌ها و محافل اجتماعی نمایان می‌شود و سرانجام آخرین الگوی رابطه‌ی اجتماعی از دید زیمل به تفکیک افراد و گروه‌ها بر پایه‌ی بهره‌جویی از انرژی و بسط آن مربوط می‌شود (فریزربی، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

زیمل معتقد است انزوای اجتماعی عامل اصلی سرگردانی انسان در جوامع جدید است. در اندیشه‌ی زیمل، بُعد یا قرابت فاصله، عامل مؤثری در شکل‌گیری روابط اجتماعی است. توجه زیمل، بر فاصله بین عاملان و تغییراتی است که بر حسب آن مشارکت‌کنندگان از هم جدا باشند یا نزدیک است. او معتقد است روابط مبتنی بر قرابت از روابط مبتنی بر بُعد یا فاصله‌ی دور، شدیدترند. فاصله فقط بر دو شکل از روابط تأثیر ندارد: اولی، روابطی کاملاً غیرشخصی مثل معاملات اقتصادی و دیگری، روابطی که متضمن شدت احساسات و عواطف است نظیر احساسات عمیق مذهبی یا روابط مبتنی بر عشق (زیمل، ۱۳۷۲: ۲۶۲).

رابرت پارک: پارک^{۱۷} «فاصله‌ی اجتماعی» را ناپایداری دوستی و صمیمیت میان دو یا چند فرد یا سایر گروه‌ها تعریف می‌کند. فاصله‌ی اجتماعی پارک از نظریه‌ی بیگانگی

¹⁶. Sampson

¹⁷. Park

زیمبل اقتباس شده و از سوی یکی از دانشجویانش، «بوگاردوس»^{۱۸} گسترش یافته است. پارک از فاصله‌ی اجتماعی در تحلیل روابط نژادی و مناسبات قومی استفاده کرد. به نظر پارک، هرچه فاصله‌ی اجتماعی بین دو نفر بیشتر شود، تأثیر متقابل کمتری بر یکدیگر خواهند داشت (راجرز^{۱۹}، ۱۳۷۸: ۳۷۸). او ارتباط را فراگردی اجتماعی-روان‌شناختی تعریف می‌کند که فرد را قادر می‌سازد رفتارها و معانی را تشخیص دهد. در ارتباط یک اصل اخلاقی و منطقی جانشین یک اصل زیستی و غریزی می‌شود. ارتباط میان دو نفر حس همدلی و یکی شدن را به وجود می‌آورد و ساختار اجتماعی جامعه را شکل می‌دهد و از نظر پارک، راه‌حل مناسبی برای رفع مشکلات اجتماعی شهر است (راجرز، ۱۳۷۸: ۳۸۰).

فردیناند تونیس^{۲۰}: به نظر تونیس سه نوع رابطه در اجتماع وجود دارد: خویشاوندی، دوستی و همسایگی یا محلی. «رابطه‌ی خویشاوندی» بر اساس خانواده است. قوی‌ترین ارتباط در درجه‌ی اول، بین مادر و بچه، سپس بین زن و شوهر، و در درجه‌ی بعدی، بین خواهر و برادر است. رابطه‌ی پدرفرزندی نیز وجود دارد اما کمتر از رابطه‌ی غریزی میان مادر و فرزند است. با این حال رابطه میان پدر و فرزند جلوه‌ای از اعتبار جامعه است. رابطه‌ی خویشاوندی در جماعت محلی گسترش پیدا کرده و متفاوت است و آن بر اساس زیستگاه مشترک شکل می‌گیرد. «رابطه‌ی همسایگی یا محلی» مستلزم یک جماعت مشترک ذهنی در محله یا میان همسایه‌هاست و در محله به وضوح دیده می‌شود. به نظر تونیس هر اندازه روابط همسایگی یا محلی قوی‌تر باشد، یعنی تعاملات اجتماعی بین اعضای محله و همسایه‌ها قوی باشد، امکان سرقت، خشونت، جرم یا هر شکل نابهنجاری کاهش می‌یابد.

پی‌یر بوردیو: از دیدگاه بوردیو^{۲۱} (۱۹۸۴) زمینه‌ی اجتماعی افراد در گذشته باعث تغییر در زندگی آینده‌ی آن‌ها و تمایزشان از یکدیگر می‌شود. افرادی که در فرهنگ‌های مختلف زندگی می‌کنند باورهای متفاوتی از هم دارند. برای مثال زندگی در منطقه‌ی شهری با زندگی در منطقه‌ی روستایی فرق دارد. پرورش در جامعه‌های مختلف یا یک بخش خاص از یک کشور باعث ایجاد فاصله‌ی اجتماعی بین افراد می‌شود. به نظر بوردیو تحصیلات یکی از

18. Bogardus

19. Rogers

20. Tonies

21. Bordiou

عوامل ایجاد فاصله‌ی اجتماعی بین افراد با تحصیلات بالاتر و کمتر است.

زنانیکھی: منظور زنانیکھی^{۲۲} از «حلقه‌ی اجتماعی» مجموعه‌ی کوچک یا بزرگ انسانی است که از افراد ایفاکننده‌ی نقش (شخص اجتماعی) تشکیل شده است. بین افراد دخیل در حلقه‌ی اجتماعی فرد پیوند عمومی وجود دارد که با مجموعه ارزش‌های معین شکل می‌گیرد که ممکن است اقتصادی، سیاسی، دینی، زیبایی‌شناختی باشند. شخصی که حلقه‌ی اجتماعی به او نیاز دارد و خویشتن او دارای ویژگی‌های ضروری ایفای نقش مورد نیاز است پایگاه اجتماعی معینی دارد؛ یعنی حلقه‌ی او حقوق معینی در برابر سایر افراد درون و بیرون حلقه نظیر حق اشغال فضای مشخص، حق جابه‌جایی در قلمرو معین، حق برخورداری از معیشت و آرامش روانی در نظر می‌گیرد و اعمال می‌کند.

تی هال: هال^{۲۳} چهار منطقه از فضاهای شخصی را از هم تمیز می‌دهد. اول فاصله‌ی صمیمانه که میزانش کمتر از یک و نیم پاست و مختص به تماس‌های اجتماعی بسیار اندک است. فقط کسانی که مناسباتشان با یکدیگر شامل تماس جسمانی است، مثل عشاق یا والدین و فرزندان، مجازند وارد این منطقه‌ی فضای خصوصی شوند. دوم فاصله‌ی شخصی است که یک و نیم تا چهار پا است که مختص دوستان و آشنایان نزدیک است. در این فضا تماس و نزدیکی تا اندازه‌ای مجاز است اما ابعاد بسیار محدودی دارد. فاصله‌ی اجتماعی شخصی دیگری وجود دارد که از چهار تا دوازده پاست؛ منطقه‌ای که عموماً در محیط‌های رسمی مثل مصاحبه‌ها رعایت می‌شود. منطقه‌ی چهارم، فاصله‌ی عمومی است که بیش از دوازده پاست و مختص کسانی است که با جمعی از مخاطبان سروکار دارند. در کنش‌های متقابل عادی، حساس‌ترین و تنش‌زاترین مناطق فاصله‌ی صمیمانه و شخصی است. اگر این حدودمرزها زیر پا گذاشته شوند، مردم سعی می‌کنند فضای مختص به خویش را دوباره به تصرف درآورند (گیدنز^{۲۴}، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی: یکی از نظریه‌های رایج درباره‌ی جرم و ناهنجاری نظریه‌ی بی‌سازمانی اجتماعی است که بر تأثیر تفاوت‌های نژادی و اخلاقی بر جرم تأکید می‌کند. در این مقاله به این تفاوت‌ها فاصله‌ی اجتماعی می‌گوییم. بر اساس این نظریه،

²². Zenanikhi

²³. Hall

²⁴. Giddens

همسایه‌هایی که رابطه‌ی اجتماعی کمتری با هم دارند، جرم بیشتری را انجام می‌دهند و علت آن کاهش کنترل اجتماعی است. این نظریه در قالب مدلی سه‌گانه به مسأله‌ی ترس از جرم می‌پردازد: مدل تنوع خرده‌فرهنگی، مدل بی‌نظمی اجتماعی و مدل نگرانی اجتماعی. بر اساس مدل تنوع خرده‌فرهنگی اجتماعاتی که در آن‌ها تنوع قومی و نژادی بسیاری وجود دارد و هر یک از اقوام بدون پیوند با کلیت اجتماع از آداب و رسوم خود پیروی می‌کنند، ترس از جرم بیشتر است (چریکوس^{۲۵}، ۱۹۹۷: ۱۱۷). مدل بی‌نظمی رابطه‌ی مثبتی بین تصور فرد از محیط اجتماعی و فیزیکی و ترس از جرم می‌بیند. بی‌نظمی در اشکال فیزیکی و اجتماعی نشان‌دهنده‌ی ضعف کنترل اجتماعی و بی‌توجهی به محیط پیرامونی است که به ترس زیاد از جرم منجر می‌شود (کرانک و گیاکومازی^{۲۶}، ۲۰۰۳: ۲۵۱). مدل نگرانی اجتماعی ترس از جرم را ناشی از نگرانی درباره‌ی زوال اجتماع می‌داند به صورتی که ضعیف‌شدن پیوندهای اجتماعی محلی به برجسته‌شدن ترس از جرم می‌انجامد. پژوهش‌گران عموماً نگرانی اجتماعی را پدیده‌ای مرتبط با بی‌نظمی و ترس می‌دانند. مردم از دیدن نشانه‌های بی‌نظمی به زوال جامعه‌شان پی می‌برند و اینکه جامعه نمی‌تواند امنیت آن‌ها را تأمین کند و این همان چیزی است که موجب ترس از جرم و ناهنجاری می‌شود (لان و میکر^{۲۷}، ۲۰۰۵: ۶۳).

نظریه‌ی نظارت یا کنترل اجتماعی: نظریه‌ی کنترل اجتماعی به وسیله‌ی هیرشی^{۲۸} مطرح شد که بر اساس آن جرم و ناهنجاری زمانی انجام می‌شود که پیوندهای افراد با جامعه ضعیف یا گسسته شود. هیرشی معتقد است چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند که فقدان یا ضعف آن‌ها به افزایش جرم و ناهنجاری می‌انجامد: «وابستگی»، «تعهد»، «درگیری» و «اعتقاد» (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۱۹ و ۱۲۰).

- وابستگی: بیشتر افراد سعی می‌کنند به خویشاوندان خود آسیب نزنند، یعنی رفتارشان باعث ناراحتی و شرمندگی اقوامشان نشود. با این احساس افراد وابسته و محدود می‌شوند و کمتر خود را آزاد و رها برای نقض هنجارهای اجتماعی می‌بینند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

25. Chricos

26. Crank & Gia Comazzi

27. Lane & Meeker

28. Heirchi

تعهد: تعهد حاکی از آن است که منافع جامعه همانند منافع مردم با جرم به خطر می‌افتد (احمدی، ۱۳۷۷: ۳۴). پس، فردی که به فعالیت‌های زندگی روزمره متعهد باشد، به منظور حفظ موقعیتی که با کوشش برای خود به دست آورده، ناهنجاری نمی‌کند و موقعیتش را به خطر نمی‌اندازد. بیشتر افراد می‌خواهند شهرت خوب و آینده‌ی خوب داشته باشند و برای این منظور شیوه‌ی زندگی متعارف را دنبال می‌کنند که در چارچوب آن فرد به هنجارهای اجتماعی متعهد است.

- درگیری: شخصی که درگیر فعالیت‌های روزمره است، به ندرت فرصت انجام جرم دارد. او حتی فرصت فکرکردن در باره‌ی آن را ندارد. بنابراین فراهم کردن تسهیلات در برنامه‌ها، ناهنجاری را کاهش می‌دهد. بیشتر افراد در طول زندگی خود زمان و انرژی محدودی دارند. درگیری در امور زندگی روزمره به وقت زیادی نیاز دارد و باعث محدود شدن رفتار می‌شود. جرم‌شناسان معتقدند افزایش سال‌های تحصیلی، انجام خدمت نظام وظیفه و فراهم بودن تسهیلات ورزشی، باعث کاهش ناهنجاری می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

- اعتقاد: به نظر هیرشی ضعف اعتقاد به هنجارهای اجتماعی یکی دیگر از عامل‌های ضعف پیوندهای اجتماعی و در نتیجه افزایش جرم و ناهنجاری است. هرچه اعتقاد به ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در فرد ضعیف‌تر باشد، بیش‌تر احتمال دارد که هنجارشکنی کند. فردی که خود را زیر فشار ارزش‌های اجتماعی نبیند. هیچ وظیفه‌ی اخلاقی برای هم‌نواپی اجتماعی و رعایت قوانین ندارد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

چارچوب نظری مقاله از چهار نظریه‌ی روابط جماعتی تونیس، کنترل اجتماعی هیرشی، فاصله‌ی اجتماعی پارک و نظریه‌ی بی‌سازمانی اجتماعی ترکیب شده است که در قالب جدول شماره‌ی ۱ نمایش داده می‌شود.

جدول شماره ۱: دستگاه نظری پژوهش

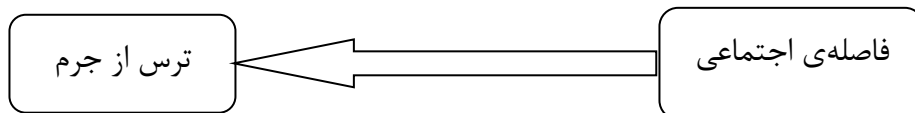
نام نظریه پرداز	ایده نظری	ارتباط با موضوع	استنتاج نظری	ارائه فرضیه	مفاهیم و متغیرها
روابط جماعتی فردینان تونیس	روابط همسایگی مستلزم یک جماعت مشترک ذهنی در محله یا	همسایگی و تقویت تعاملات اجتماعی بین همسایه‌ها به کاهش فاصله‌ی اجتماعی بین	هر اندازه روابط همسایگی یا محلی قوی‌تری بین دو قومیت باشد، امکان سرقت،	بین احساس تعلق به محله و جرم و ناهنجاری	احساس تعلق به محله

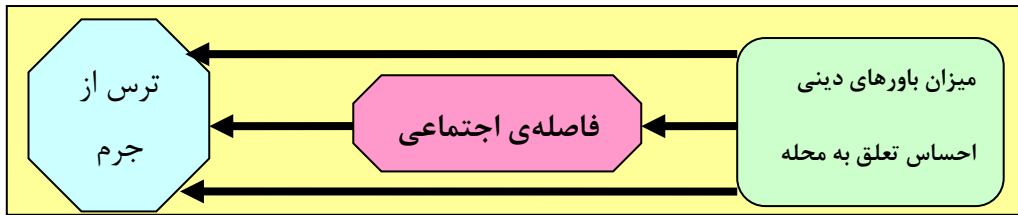
نام نظریه پرداز	ایده نظری	ارتباط با موضوع	استنتاج نظری	ارائه فرضیه	مفاهیم و متغیرها
	میان همسایه‌هاست.	آن‌ها می‌انجامد و نرخ جرم را پایین می‌آورد.	خشونت، جرم یا اشکال دیگر ناهنجاری کاهش می‌یابد.	رابطه وجود دارد	
نظریه بی‌سازمانی اجتماعی	ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی محلی باعث ترس از جرم و ناامنی می‌شود.	پیوندهای قوی اجتماعی باعث کاهش احساس ترس از ناامنی شود.	هر اندازه درجهی صمیمیت کردها و لک-ها بیشتر باشد، به تبع آن میزان انحرافات کاهش می‌یابد.	بین احساس ناامنی اجتماعی و میزان جرم رابطه وجود دارد.	ترس از ناامنی اجتماعی
کنترل اجتماعی هیرشی	ضعف اعتقاد به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی باعث جرم است.	ناهنجاری به علت ضعف اعتقاد به هنجارها و قوانین است.	فردی که اعتقادی به هنجارهای جامعه نداشته باشد، هیچ وظیفه اخلاقی برای رعایت قوانین ندارد.	بین باورهای دینی و اخلاقی و میزان جرم رابطه وجود دارد	باورهای دینی
فاصله‌ی اجتماعی پارک	هرچه میزان فاصله‌ی اجتماعی میان دو نفر بیش‌تر شود، تأثیر متقابل کمتری روی یکدیگر دارند	فاصله‌ی اجتماعی بین دو فرهنگ و قوم به کاهش ارتباطات و در نتیجه، بی‌اعتمادی منجر می‌شود	کاهش فاصله بین دو قوم کرد و لک منجر به کاهش تنش‌های فرهنگی آن‌ها می‌شود.	بین فاصله‌ی اجتماعی و میزان جرم رابطه وجود دارد.	فاصله‌ی اجتماعی

مدل پژوهش

نمودار زیر روابط بین متغیرهای این پژوهش را در قالب مدل تجربی تحقیق نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق





فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

- بین فاصله‌ی اجتماعی دو قوم کرد و لک و ترس از جرم ارتباط وجود دارد.
- بین باورهای دینی دو قوم کرد و لک و ترس از جرم رابطه وجود دارد.
- بین ترس از بی‌هنجاری دو قوم کرد و لک و ترس از جرم رابطه وجود دارد.
- بین میزان تعلق به محله‌ی دو قوم کرد و لک و ترس از جرم رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش این پژوهش پیمایش است و داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شدند. جامعه‌ی آماری شهروندان بالای ۲۰ سال شهر کرمانشاه است که شامل دو قوم کرد و لک هستند. جمعیت ۲۰ ساله به بالای شهر بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ برابر ۳۰۲۷۵ نفر بودند که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه معرف انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای است. با توجه به ناهمگنی اقتصادی و اجتماعی شهر کرمانشاه از تقسیم‌بندی مناطق ۷گانه‌ی شهری شهرداری کرمانشاه استفاده شد که از این مناطق ۷گانه، حوزه‌ها و سپس، خانوارها به صورت تصادفی انتخاب شدند و با یکی از اعضای بالای ۲۰ سال خانواده مصاحبه شد. مزیت این روش این است که تمامی افراد جامعه شانس یکسانی برای انتخاب شدن دارند و انتخاب نمونه محدود به حوزه یا منطقه‌ی خاصی نمی‌شود.

در پژوهش حاضر از اعتبار صوری و اعتبار سازه استفاده شد و برای سنجش پایایی ابزار سنجش (پرسشنامه)، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید. گویه‌ها از مطالعات انجام شده در ایران و سایر کشورها اقتباس شدند و پس از تغییرات و سازگار نمودن آن‌ها با وضعیت ایران، گویه‌های مناسب انتخاب شدند. گویه‌های تحقیق بر اساس تعریف مفاهیم اصلی تهیه شدند.

ترس از جرم و ناهنجاری: منظور نگرانی و ترس فرد از بروز جرم و ناهنجاری در محله‌ی زندگی‌اش است (سراج زاده و گیلانی، ۱۳۸۹: ۲۳۳)، که با استفاده از ۱۲ گویه بر مبنای مطالعه‌ی سراج زاده و گیلانی (۱۳۸۹) در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجیده شد.

فاصله‌ی اجتماعی: فاصله‌ی اجتماعی به معنی گرایش اعضای قومی به پذیرش یا رد اعضای قوم دیگر است. معیار اندازه‌گیری درجه‌ی نزدیکی یا دوری فرد به اعضای گروه‌های دیگر است (کوئن^{۲۹}، ۱۳۷۲). در این پژوهش برای سنجش فاصله‌ی اجتماعی دو قوم کرد و لک از مقیاس بوگاردوس استفاده شد. این ابزار پس از هنجاریابی با استفاده از ۱۸ سؤال در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجیده شد.

باورهای دینی: منظور از آن داشتن اهتمام دینی در باور، گرایش و کنش فرد است (نواح و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۰). در نظریه‌ی هیرشی اعتقاد به هنجارها بُعدی از کنترل اجتماعی است و جامعه به رغم واگرایی‌ها اشتراکات دینی بسیاری دارد که پیوندهای اجتماعی را تقویت می‌کنند. در این پژوهش، میزان باورهای دینی بر اساس مقیاس آلپورت و راس سنجش شدند. آلپورت و راس مقیاس باورهای دینی را در ۱۹۷۶ ساختند که بعدها بسیاری از اندیشمندان علوم رفتاری از این مقیاس استفاده کردند. این متغیر با استفاده از ۱۲ سؤال در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجیده شد.

احساس تعلق به محله: منظور از آن احساس دل‌بستگی به اجتماع و روابط محله‌ای است (سراج‌زاده و گیلانی، ۱۳۸۹: ۲۳۳). این متغیر با استفاده از ۵ گویه که برگرفته از مطالعه‌ی سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۹) در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجش شد.

ترس از ناامنی: منظور از آن ترس از ایجاد ناامنی در محله‌ی مسکونی‌شان است. این شاخص با استفاده از ۷ گویه برگرفته از مطالعه‌ی سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۹) در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجیده شد.

روایی این پژوهش صوری است که بر اساس آن پس از طراحی و تدوین گویه‌ها، آن‌ها در اختیار برخی از استادان همکار قرار گرفت. پس از اصلاحات برخی از گویه‌ها حذف

²⁹. Cohen

و برخی دیگر اضافه شدند، و در نهایت، گویه‌های مناسب برای تدوین ابزار پژوهش انتخاب گردیدند. برای برآورد پایایی ابزار پژوهش از دو تکنیک استفاده شد:

الف) تکنیک آلفای کرونباخ. نتایج حاصل از تکنیک آلفای کرونباخ نشان می‌دهد ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر فاصله‌ی اجتماعی برابر ۰/۷۸، برای متغیر ترس از ناامنی با ۱۲ گویه برابر ۰/۹۱، برای احساس تعلق به محله با ۵ گویه برابر ۰/۸۴ و برای باورهای دینی با ۸ گویه برابر ۰/۸۹ است.

ب) تکنیک دونیمه کردن آزمون. با توجه به اینکه این آزمون دارای دو فرم موازی نیست و وقت کافی برای اجرای دوباره‌ی آن در اختیار پژوهش‌گر وجود نداشت، پس از روش دونیمه کردن آزمون استفاده شد. در این حالت پژوهش‌گران آزمون را یک بار برای جامعه‌ی آماری اجرا و سپس، آن را به دو نیمه‌ی مساوی تقسیم می‌کند. برای انجام این کار سؤالات فرد و سؤالات زوج به ترتیب از هم جدا شدند و هر گروه از سؤالات به مثابه‌ی یک آزمون در نظر گرفته شد. با استفاده از این روش ضریب همبستگی این دو آزمون به عنوان تکنیک آماری مناسب اجرا گردید. از آنجا که آزمون در این شیوه سنجش به دو نیمه تقسیم شد، ضریب همبستگی بین نیمه‌های آزمون به دست آمده برابر ۰/۷۹ است. برای محاسبه‌ی ضریب اعتبار کل آزمون از ضریب پیشنهادی اسپیرمن- براون استفاده شد:

$$r_{11} = \frac{2r_{\frac{11}{22}}}{1+r_{\frac{11}{22}}} = \frac{2 \times 0.79}{1+0.79} = \frac{1.58}{1.79} = 0.88$$

نتایج حاصل از جدول شماره ۲ نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین نیمه‌های آزمون برابر ۰/۷۹ و ضریب اعتبار کل با استفاده از روش اسپیرمن- براون برابر ۰/۸۸ است که بیش‌تر ضریب همبستگی بین دو نیمه آزمون به دست می‌آید.

جدول شماره ۲: مقادیر به دست آمده از روش دونیمه کردن برای اعتبار ابزار سنجش

گروه‌ها	آلفای کرونباخ	میانگین	انحراف معیار	تعداد	همبستگی درونی	همبستگی اسپیرمن- براون
نیمه‌ی اول	۰/۷۶	۵۹/۱۰	۱۰/۲۳	۹	۰/۷۹	۰/۸۸

		۹	۹/۹۸	۶۵/۴۷	۰/۷۹	نیمه‌ی دوم
		۱۸	۱۳/۶۱	۶۲/۲۸	۰/۷۸	کل

یافته‌های پژوهش

داده‌های پژوهش از ۳۳۶۷ پرسشنامه به دست آمد که از سوی شهروندان کرد و لک کرمانشاه تکمیل شدند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها استخراج و به کامپیوتر انتقال یافت و با استفاده از بسته‌ی نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی^{۳۱} بر اساس شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد.

متغیر وابسته در این پژوهش نگرش شهروندان به جرم و ناهنجاری است. میانگین نمره‌ی آن برای افراد مورد مطالعه ۳۷/۸۳ است که در مقایسه با دامنه‌ی نمره (۱۲ تا ۷۲) زیاد است. این شاخص بیانگر آن است که پاسخ‌گویان در محله‌شان احساس بی‌هنجاری می‌کنند و میزان جرائم اجتماعی در بین آن‌ها بالاست. یکی از متغیرهای مستقل در این مطالعه فاصله‌ی اجتماعی میان شهروندان دو قوم کرد و لک است که از جمع نمرات ۱۸ سؤال درباره‌ی میزان فاصله‌ی اجتماعی به دست آمد. یافته‌ها نشان می‌دهند میانگین نمره‌ی فاصله‌ی اجتماعی میان کردها و لک‌ها ۶۲/۲۸ است که از میانگین مورد انتظار (۵۴) بالاتر و حاکی از بالابودن میزان فاصله‌ی اجتماعی بین این دو قوم است. نتایج این متغیر و متغیرهای دیگر در جدول شماره‌ی ۳ آمده است. متغیر بعدی در این جدول باورهای دینی با میانگین نمره‌ی ۲۶/۲۸ است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۲۴)، پایین است و بیانگر آن است که میزان پایبندی پاسخ‌گویان به ارزش‌های مذهبی قوی است. شاخص دیگر احساس تعلق به محله با میانگین نمره‌ی ۱۸/۴۱ است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۱۵)، در حد متوسط است. متغیر دیگر احساس ناامنی در محله است که میانگینش ۲۸/۲۵ است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۲۱) بالاست. نتایج میانگین‌ها حاکی از آنند که شهروندان نگران ناامنی، وقوع جرم و بی‌هنجاری در محل زندگی خود هستند.

جدول شماره ۳: شاخص‌های توصیفی متغیر وابسته و متغیرهای مستقل آن

^{۳۰}. مبانی تحلیل در این مقاله ۳۳۶۷ نفر بودند و بقیه‌ی پرسشنامه‌ها برگردانده شدند.

^{۳۱}. Statistical Package for Social Science (SPSS)

تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ	میانگین‌ها		شاخص‌ها
		مورد انتظار	بدست آمده	
۱۲	۰/۸۱	۳۶	۳۷/۸۳	ترس از جرم
۵	۰/۸۴	۱۵	۱۸/۴۱	تعلق به محله
۱۸	۰/۷۸	۵۴	۶۲/۲۸	میزان فاصله‌ی اجتماعی
۷	۰/۹۵	۲۱	۲۸/۲۵	احساس ناامنی در محله
۱۲	۰/۸۱	۳۶	۴۲/۲۷	باورهای دینی

جدول شماره‌ی ۴ ضریب همبستگی برای چهار متغیر احساس تعلق به محله، احساس ناامنی، نگرش به جرم و باورهای دینی پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد متغیرهای مزکور رابطه‌ی معناداری با میزان فاصله‌ی اجتماعی دارند. هر اندازه میزان تعلق به محله و باورهای دینی افراد بالاتر باشد میزان فاصله‌ی اجتماعی کاهش، و در نتیجه، میزان جرم کاهش می‌یابد. برعکس، هر اندازه میزان احساس ناامنی افراد بیش‌تر شود، ارتباط و اعتماد بین آن‌ها کاهش می‌یابد و در نتیجه، میزان فاصله‌ی اجتماعی و به تبع آن میزان جرائم و ناهنجاری بین آن‌ها افزایش می‌یابد. رابطه بین متغیرهای مزکور برای میزان تعلق نسبت به محله ($r = -0/25$)، میزان ترس افراد از جرم ($r = 0/34$) و میزان احساس ناامنی ($r = 0/24$) و باورهای دینی ($r = -0/37$) است.

جدول شماره ۴: ضریب پیرسون بین متغیرهای مستقل فاصله‌ای و میزان فاصله‌ی اجتماعی دو قوم

کرد و لک

معناداری	همبستگی	انحراف معیار	میانگین	همبستگی	فاصله‌ی اجتماعی
۰/۰۱۶	-۰/۲۵	۳/۲۶	۱۸/۴۱	میزان تعلق به محله	
۰/۰۲۱	۰/۲۴	۶/۴۱	۲۸/۲۵	احساس ناامنی در محله	
۰/۰۰۰	-۰/۳۷	۸/۶۳	۴۲/۲۷	باورهای دینی	
۰/۰۰۰	۰/۳۴	۷/۲۶	۳۷/۸۳	ترس از جرم	

جدول شماره‌ی ۵ ضریب همبستگی سه متغیر احساس تعلق به محله، احساس ناامنی و میزان باورهای مذهبی پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد متغیرهای

مذکور رابطه‌ی معناداری با میزان نگرش به جرم دارند. هر اندازه میزان تعلق به محله و باورهای دینی آن‌ها بالاتر باشد نگرش به جرم پایین است. برعکس، هر اندازه احساس ناامنی افراد بیشتر باشد، میزان جرائم و ناهنجاری بیشتر است. رابطه‌ی بین متغیرهای مذکور برای میزان تعلق به محله ($r = -0/33$)، احساس ناامنی ($r = 0/27$) و میزان باورهای دینی ($r = -0/44$) است.

جدول شماره ۵: ضریب پیرسون بین متغیرهای مستقل فاصله‌ای و میزان فاصله‌ی اجتماعی دو قوم

کرد و لک

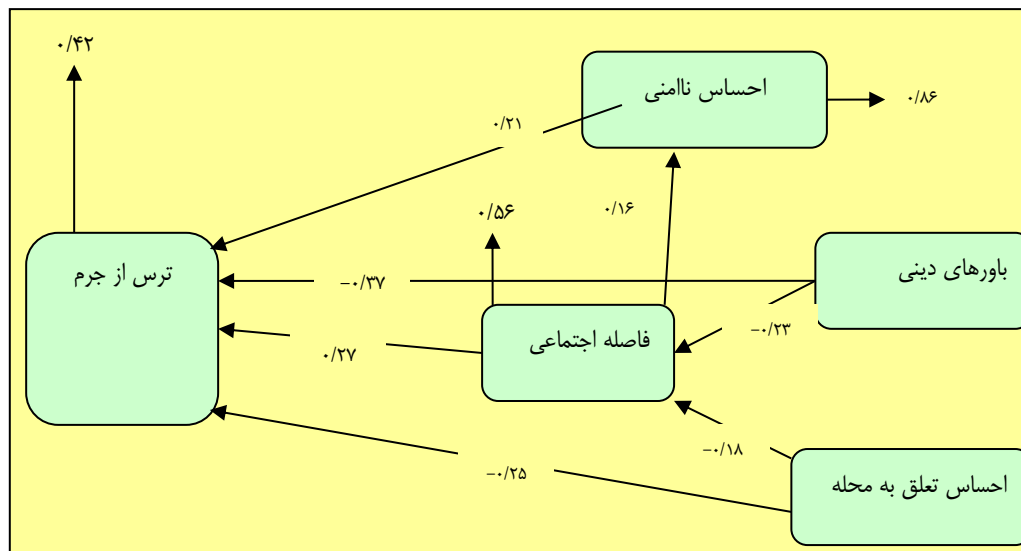
معناداری	همبستگی	انحراف معیار	میانگین	همبستگی	
۰/۰۰۰	-۰/۳۳	۳/۲۶	۱۸/۴۱	میزان تعلق به محله	۳ ۴ ۵
۰/۰۰۰	۰/۲۷	۶/۴۱	۲۸/۲۵	احساس ناامنی	
۰/۰۰۰	-۰/۴۴	۸/۶۳	۴۲/۲۷	باورهای دینی	

برای آزمون مدل تجربی این پژوهش از معادلات مرکب رگرسیونی و برای رسم مدل مسیر از ضرایب مسیر متغیرهایی استفاده شد که مقدار T آنها در سطح معناداری قرار دارد. ضریب مسیر در این مدل نماینده‌ی شدت رابطه‌ی بین دو متغیر با ثابت نگه‌داشتن اثر متغیرهای دیگر در مدل است. همان‌طور که در مدل مسیر مشاهده می‌شود، متغیر فاصله‌ی اجتماعی به‌مثابه‌ی متغیر میانجی، از یک سو، از متغیرهای مستقل (باورهای دینی، احساس ناامنی و احساس تعلق افراد به محله) متأثر است و از سوی دیگر، بر نگرش شهروندان نسبت به جرم تأثیر معناداری دارد. ضریب مسیر برای رابطه‌ی بین فاصله‌ی اجتماعی و نگرش نسبت به جرم برابر $0/27$ است که نشان می‌دهد با افزایش میزان فاصله‌ی اجتماعی میان کردها و لک‌ها ترس‌شان از جرم نیز بیشتر می‌شود.

متغیرهایی باورهای دینی با ضریب مسیر ($\rho = -0.23$)، احساس ناامنی با ضریب مسیر ($\rho = 0.16$) و احساس تعلق افراد به محله با ضریب مسیر ($\rho = -0.18$) از یک سو، به صورت مستقیم بر ترس از جرم تأثیر دارند و از سوی دیگر، باورهای دینی با ضریب مسیر ($\rho = -0.37$)، احساس ناامنی با ضریب مسیر ($\rho = 0.21$) و احساس تعلق افراد به محله با ضریب مسیر ($\rho = -0.25$) بر فاصله‌ی اجتماعی و با واسطه‌ی آن بر ترس از جرم

تأثیر دارند. نتایج حاصل از این تکنیک آماری در نمودار شماره ۳ قابل ملاحظه است.

نمودار شماره ۳: تحلیل مسیر



به منظور تعیین اثرات غیرمستقیم یا مسیر غیرمستقیم، ضرایبی را که در امتداد آن مسیر قرار گرفته‌اند در هم ضرب کرده‌ایم که نتایج زیر به دست آمده است:

$$\text{احساس ناامنی} = 0/21$$

$$\text{باورهای دینی} = (-0/37) + (-0/22) \times (0/27) = (0/081) + (-0/37) = -0/29$$

$$\text{فاصله اجتماعی} = (0/27) + (0/21) \times (0/16) = (0/27) + (0/034) = 0/303$$

$$\text{احساس تعلق به محله} = (-0/25) + (0/27 \times -0/18) = (-0/25) + (-0/048) = -0/298$$

جدول شماره ۶ اثرات مستقیم و غیرمستقیم و اثر کل هر یک از متغیرها بر ترس از جرم و کمیت خطای e مدل تحلیل مسیر را بر اساس مدل تجربی پژوهش نشان می‌دهد. مقایسه‌ی ضرایب نشان می‌دهد بیشترین اثر علی مستقیم، بیشترین اثر علی غیرمستقیم و سپس، اثر علی کل بر ترس از جرم مربوط به کدام متغیرهاست.

جدول شماره ۶: اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر ترس از جرم و کمیت خطای e

مدل تحلیل مسیر

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	e	e ²	R ² =1- e ²
میزان تعلق به محله	-0/25	-0/048	-0/298	---	---	---

محلّه					
۰/۳۰	۰/۷۰	۰/۸۴	۰/۲۱	---	۰/۲۱
---	---	---	-۰/۲۹	۰/۰۸	-۰/۳۷
۰/۶۸	۰/۳۱۳	۰/۵۶	۰/۳۰۳	۰/۰۳۴	۰/۲۷
۰/۸۲۴	۰/۱۷۶	۰/۴۲	ترس از جرم		

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فاصله‌ی اجتماعی از طریق ضعف پیوندهای اجتماعی بین اعضای یک محله‌ی مسکونی باعث افزایش جرم و ناهنجاری می‌شود. در این مطالعه بیشتر بر فاصله‌ی اجتماعی بین دو قوم کرد و لک در شهر کرمانشاه متمرکز شد. فاصله‌ی اجتماعی تحت تأثیر احساس ناامنی و بی‌نظمی اجتماعی، احساس تعلق به محله و باورهای دینی بررسی شد.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین فاصله‌ی اجتماعی دو قوم کرد و لک با متغیرهای احساس تعلق به محله ($r = -0.25$)، ترس از جرم ($r = 0.34$)، احساس ناامنی ($r = 0.24$) و باورهای دینی ($r = -0.37$) رابطه وجود دارد. احساس ناامنی، باورهای دینی و احساس تعلق به محله با فاصله‌ی اجتماعی رابطه‌ی معنادار و معکوسی دارند، اما بین ترس از جرم با فاصله‌ی اجتماعی رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. بین احساس تعلق افراد به محله ($r = -0.33$)، احساس ناامنی ($r = 0.27$) و باورهای دینی ($r = -0.44$) با نگرش به جرم در جامعه رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد متغیرهای باورهای دینی با ضریب مسیر ($\rho = -0.23$)، احساس ناامنی با ضریب مسیر ($\rho = 0.16$) و احساس تعلق افراد به محله با ضریب مسیر ($\rho = -0.18$) از یک سو، به صورت مستقیم بر ترس از جرم تأثیر دارند، و از سوی دیگر، باورهای دینی با ضریب مسیر ($\rho = -0.37$)، احساس ناامنی با ضریب مسیر ($\rho = 0.21$) و احساس تعلق افراد به محله با ضریب مسیر ($\rho = -0.25$) بر فاصله‌ی اجتماعی و با واسطه‌ی آن بر ترس از جرم تأثیر دارند.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد کردهایی که با لک‌ها فاصله‌ی اجتماعی بیشتری دارند جرم و جنایت در میان آنها بیشتر است که از دلایل آن می‌توان به کاهش اعتماد

اجتماعی و ضعف پیوندهای اجتماعی بین آنها اشاره کرد. در راستای این تأثیرات در سطح فردی در باره‌ی افرادی که فاصله‌ی اجتماعی دو قوم کرد و لک بیشتری دارند، تأثیرات بافتی برای تمام ساکنان که در محله‌های کوچک با فاصله‌ی اجتماعی بیش‌تر زندگی می‌کنند اتفاق می‌افتد تا اندازه‌ای که این فاصله‌ی اجتماعی باعث کاهش رابطه‌ی بین همسایه‌ها می‌شود. این نتیجه‌گیری نظریه‌ی بیلر را تأیید می‌کند. بیلر (۱۹۹۷) معتقد است پیوندهای اجتماعی در قالب تماس‌های اولیه و ساده می‌تواند زمینه‌ساز پیوندهای اجتماعی عمیق‌تر و در نتیجه کاهش فاصله‌ی اجتماعی بین شهروندان در بافت‌های گسترده‌تر را فراهم کند. فاصله‌ی اجتماعی در سطح پایین نوعی پراکندگی در شبکه‌های محلی ایجاد می‌کند و پیوندهای موجود با جوامع گسترده‌تر را می‌گسلد. فاصله‌ی اجتماعی در سطح میانه به کاهش پیوندهای محکم در یک محله‌ی کوچک منجر می‌شود. فاصله‌ی کم اجتماعی گاهی کارکردی و مطلوب است اما اگر این فاصله زیاد شود بر روی الگوهای ارتباطی تأثیر گذاشته و آن‌ها را محدود می‌کند. این احتمال نیز وجود دارد که فاصله‌ی اجتماعی در یک محله‌ی کوچک به بروز ناهنجاری و جرم فیزیکی و اجتماعی بینجامد.

در خاتمه با توجه نتایج پژوهش پیشنهادهایی ارائه می‌شود. با توجه به این‌که یکی از عوامل مرتبط با فاصله‌ی اجتماعی و به تبع آن ترس از جرم، باورهای دینی است، تقویت باورهای دینی مرتبط با هم‌زیستی و همگرایی از سوی رسانه‌ی ملی، فاصله‌ی بین قوم‌های کرد و لک را تا اندازه‌ای کاهش می‌دهد. این مهم با تدوین برنامه‌ها و سریال‌هایی در باره‌ی همسایگی، هم‌زیستی و همکاری دو قوم امکان‌پذیر است. از آنجا که وجه مشترک دو قوم کرد و لک بیشتر دینی و نه فرهنگی است، بنابراین از آموزه‌ها، مراسم و آیین‌های انسجام‌بخش دینی می‌توان برای انسجام اجتماعی بیش‌تر استفاده کرد تا باورها و تفکرهای قالبی افراد نسبت به هم اصلاح شوند. از دیگر عوامل مرتبط با فاصله‌ی اجتماعی و به تبع آن ترس از جرم، احساس ناامنی اجتماعی است. با توجه به این‌که این عامل روابط بین افراد را کاهش می‌دهد پیشنهاد می‌شود نیروی انتظامی با

سیاست‌هایی نظیر عدم مدارا و الهام از تئوری پنجره‌های شکسته^{۳۲} نسبت به کاهش جرائم کمک کند تا شهروندان بتوانند با اطمینان بیشتری در محلات زندگی کنند. بازسازی بافت‌های فرسوده شهری می‌تواند در راستای سیاست پیشگیری نقش مهمی ایفا کند. از دیگر متغیرهای معنادار در این پژوهش احساس تعلق افراد به محله‌ی سکونت است که ممکن است با بنای مسجد، تقویت روابط همسایگی از طریق ازدواج بین دو قوم ایجاد شود. گروهی از شهروندان به دلایلی نظیر بی‌توجهی به بازسازی و نوسازی و نبود امکانات عمومی- رفاهی لازم در محلات، محل سکونت خود را تغییر می‌دهند و به محلات دیگر مهاجرت کنند و به جای آن‌ها گروه‌های با درآمد کم‌تر و پایین‌تر وارد محلات می‌شوند. در این حالت همسایگان قدیمی به سختی با تازه‌واردان رابطه ایجاد می‌کنند و از آن‌ها فاصله می‌گیرند. تازه‌واردین نیز که نسبت به محل سکونت احساس تعلق خاطر قوی ندارند احساس انزوا کرده و رفتارهای واگرایانه انجام می‌دهند. در این باره پیشنهاد می‌شود سازمان‌های متولی همانند شهرداری، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، مسکن و شهرسازی و سایر نهادهای مرتبط به نوسازی، بازسازی و ترمیم و فراهم آوردن امکانات عمومی زندگی شهری در محلات مسکونی اقدام کنند تا جابه‌جایی‌های محلی به حداقل ممکن کاهش یابند.

^{۳۲}. این نظریه حاکی از این است که پیوند مستقیمی میان ظاهر آشفته و بی‌نظم خیابان‌ها و ساختمان‌ها با وقوع جرم وجود دارد (گیلدنز، ۱۳۸۹: ۳۱۲). تئوری پنجره‌ی شکسته محصول فکری دو جرم‌شناس آمریکایی (Criminologist) بود به اسامی جیمس ویلسون (James Wilson) و جورج کلینگ (George Kelling). این دو استدلال می‌کردند که جرم نتیجه‌ی یک نابسامانی است. اگر پنجره‌ای شکسته باشد و مرمت نشود آن کس که تمایل به شکستن قانون و هنجارهای اجتماعی را دارد با مشاهده‌ی بی‌تفاوتی جامعه به این امر دست به شکستن شیشه‌ی دیگری می‌زند. دیری نمی‌پاید که شیشه‌های بیشتری شکسته می‌شود و این احساس آناارشی و هرج و مرج از خیابان به خیابان و از محله‌ای به محله‌ی دیگر می‌رود و با خود سیگنالی را به همراه دارد از این قرار که هر کاری را که بخواهید مجازید انجام دهید بدون آنکه کسی مزاحم شما شود.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۷۷). **نظریه‌های انحراف اجتماعی**، شیراز: انتشارات زر.
- خیر آنالین. (۱۳۹۰). اردبیل، کرمانشاه، همدان؛ دارای بیشترین نزاع‌های خیابانی/سیستان، خراسان جنوبی و بوشهر. ۶ تیر ۱۳۹۰.
- راجرز، اورت میچل. (۱۳۷۸). **تاریخ تحلیلی علم ارتباطات**، غلامرضا آذری، تهران: انتشارات فرهنگ.
- زیمل، گئورک. (۱۳۷۲). کلان‌شهر و حیات ذهنی، ترجمه‌ی یوسف ابادری، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، جلد دوم، شماره‌ی سوم. صص، ۵۳-۶۶.
- سراج زاده، سید حسین و اشرف گیلانی. (۱۳۸۹). بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم: مطالعه‌ی مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ تهران، **مجله‌ی علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال دهم، شماره‌ی ۳۴، صص. ۲۲۳-۲۴۴.
- فریزری، دیوید. (۱۳۸۶). **گئورک زیمل**، ترجمه‌ی جواد گنجی، تهران: گام نو.
- کوئن، بروس. (۱۳۷۲). **مبانی جامعه‌شناسی**. ترجمه‌ی غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹). **جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۸۶). **جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). **انحرافات اجتماعی**، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها؛ تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نواح، عبدالرضا، شهروز فروتن کیا و محمد پورتر کارونی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی بین میزان دینداری با ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان (مطالعه‌ی موردی: شهر اهواز)، **فصلنامه‌ی مطالعات شهری**، سال اول، شماره‌ی اول، صص. ۷۷-۹۸.
- یوسفی، علی، محسن نوغانی و مهلا حجازی. (۱۳۸۸). انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد، **مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران**، سال دهم، شماره‌ی ۱، صص ۱۳۸-۱۶۱.
- Adams, R. E. (1992). Is happiness a home in the suburbs?: the influence of urban versus suburban neighborhoods on psychological health. *Journal of Community Psychology*, Vol. 20, pp. 353-371.
- Chricos, T. (1997), Racial Composition of Neighborhood and Fear of Crime, *Criminology*, No 35: 107-129.
- Crank, John and Andrew, Gia Comazzi (2003), Fear of Crime in

- Nonurban Setting, *Journal of Criminal Justice*, 31.
- Davis, E.E., Fine-Davis, M., (1981). Predictors of satisfaction with housing and neighborhood: a nationwide study in the Republic of Ireland. *Social Indicators Research*, Vol. 9, pp. 477–494.
 - Hipp, J. R. (2010), Micro-structure in micro-neighborhoods: A new social distance measure, and its effect on individual and aggregated perceptions of crime and disorder, *Journal of Social Networks*, Vol. 32, pp. 148–159.
 - Hipp, J. R., (2007). Block, tract, and levels of aggregation: neighborhood structure and crime and disorder as a case in point. *American Sociological Review*, Vol. 72, pp. 659–680.
 - Kearns, A., Forrest, R., (2003). Living in and leaving poor neighborhood conditions in England. *Housing Studies*, Vol. 18, pp. 827–851.
 - Lane, Jodi and James W Meeker (2005), Theories and Fear of Gang Crime among Whites and Latinos: A Replication and Extension of Prior Research, *Journal of Criminal Justice* , Vol. 33.
 - McPherson, J.M., Ranger-Moore, J.R., (1991). Evolution on a dancing landscape: organizations and networks in dynamic blue space. *Social Forces*, Vol. 70, 19–42.
 - Michael, S.; baron, B.; Lynne J.; Joanne M. (2010). Social disorganization theory and the college campus, *Journal of Criminal Justice*, Vol.38. pp. 245-254.
 - Sampson, R.J., (2001). Disparity and diversity in the contemporary city: social (dis.)order revisited. *British Journal of Sociology*, Vol. 60, pp. 1–31.
 - Smith, W.R., Frazee, S.G., Davison, E.L., (2000). Furthering the integration of routine activity and social disorganization theories: small units of analysis and the study of street robbery as a diffusion process. *Criminology*, Vol. 38, pp. 489–523.
 - Warner, B.D., Rountree, P.W., (1997). Local social ties in a community and crime model: questioning the systemic nature of informal social control. *Social Problems*, Vol. 44, pp. 520–536.
 - Yamamura, E. (2009). Formal and informal deterrents of crime in Japan: Roles of police and social capital revisited, *The Journal of Socio-Economics*, Vol. 38, pp. 611–621.